

## ماده ۴۵۷

"ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیات وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. در مواردی که طرف دعوا خارجی و یا موضوع دعوا از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است."

پاسخ سوالات ۱ و ۲ و ۴ مربوط به ماده ۴۵۷ می‌باشد.

۱۳۹۸/۰۴/۱۹

۷/۹۷/۳۴۱۱

شماره پرونده: ۹۷-۱۳۹-۳۴۱۱ ح

### نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه

۱- با توجه به قانون محاسبات عمومی و آئین نامه اموال دولتی موضوع ماده ۱۲۲ قانون مذکور به شماره ۱۰۴۳۴/ت/۲۱۲ هـ مورخ ۱۱/۷/۷۲ هیأت وزیران و ماده ۶۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و ماده ۲۶ قانون مدنی، اموال دولتی؛ اموالی است که توسط وزارتخانه ها، مؤسسات دولتی و یا شرکتهای دولتی خریداری می‌شود یا به هر طریق قانونی دیگر به تملک دولت درآمده یا در می‌آیند و با عنایت به اصل ۴۵ قانون اساسی، قانون محاسبات عمومی و قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و ماده ۲۵ قانون مدنی، اموال عمومی؛ اموالی است که مورد استفاده عموم است و مالک خاص ندارد از قبیل پلها، کاروانسراها، قنوات، آب انبارهای عمومی و میدان گاههای عمومی و .... همچنین اموال مؤسسات عمومی غیر دولتی نیز اموال عمومی تلقی می‌گردند.

۲- درج شرط داوری در هر قراردادی ( تحت هر عنوانی) و ارجاع دعاوی ناشی از هر قراردادی که موجب ایجاد تعهد مالی برای دولت و دستگاههای عمومی گردد، مشمول اطلاق عبارت ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی مذکور در اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۵۷ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ می‌گردد و نیاز به تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی دارد.

۴- گر چه مقررات اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۳۷۹ موارد ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی را محدود می‌نماید اما آن را غیر ممکن نمی‌سازد.

دکتر محمد علی شاه حیدری پور

مدیر کل حقوقی قوه قضائیه

۹۱/۱۲/۱۶

۷/۲۵۲۷

۹۱-۱۳۹-۱۷۲۹

## نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه

بازگشت به استعلام شماره ۹۱/۲۵۰۲ مورخ ۹۱/۱۱/۲۱ نظریه مشورتی این اداره کل به شرح زیر اعلام می شود:

درفرض استعلام گنجانیدن شرط ارجاع امر به داوری در قراردادهای بین باشگاه ورزشی دولتی با اشخاص حقیقی و حقوقی با رعایت مفاد اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی بلامانع است .

اموال دولتی در ماده ۲ آیین نامه اموال دولتی به شماره ۱۰۴۳۴/ت۲۱۲ هـ مورخ ۷۲/۷/۱۱ هیئت وزیران که در اجرای ماده ۱۲۲ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۶۶ به تصویب رسیده است، چنین تعریف شده است : «اموال دولتی اموالی است که توسط وزارتخانه ها، مؤسسات و یا شرکتهای دولتی خریداری می شود یا به هر طریق قانونی دیگر به تملک دولت درآمده یا در می آیند.» به جز مورد فوق اموال دولتی در ماده ۲۶ قانون مدنی و ماده ۶۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۸۰/۱۱/۲۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی آمده است . دعاوی راجع به اموال مذکور، دعاوی راجع به اموال دولتی محسوب می گردد و ملاک تشخیص آن تعلق مال به دولت ( اعم از وزارتخانه ها ، مؤسسات و یا شرکتهای دولتی) می باشد.

در مورد گنجانیدن داور به عنوان مرجع حل اختلاف در قراردادهای بین باشگاه ورزشی دولتی و بازیکن ایرانی یا غیرایرانی با رعایت مفاد اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی ، بلامانع است./ان

**دکتر حمید گوینده مدیر کل حقوقی،**

**اسناد و امور مترجمین قوه قضائیه**

۹۴/۶/۱۶

۷/۹۴/۱۵۵۹

۹۴-۱۳۹-۵۰

## نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه

عطف به استعلام شماره ۹۳۱۰۱۱۳۴۲۷۲۰۰۶۶۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۳ نظریه مشورتی کمیسیون آئین

دادرسی مدنی این اداره کل به شرح زیر اعلام می گردد:

۱- صرفنظر از مصداق خاصی که در استعلام مطرح شده است، با فرض دولتی بودن مرجعی که رأی داوری علیه آن صادر شده است و با فرض رعایت مقررات اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۴۵۷ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ در ارجاع امر به داوری، با توجه به ماده ۴۸۸ قانون فوق الذکر و با لحاظ ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵/۸/۱۵، محرز است که اولاً اجرای رأی داوری، مشمول ماده واحده فوق الذکر می گردد و ثانیاً طبق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، از جمله شرایط امکان محکومیت محکوم علیه به پرداخت دین با محاسبه شاخص سالانه بانک مرکزی، تمکن مدیون است که در مورد ادارات و مؤسسات دولتی با لحاظ ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵، شرط تمکن وقتی محقق می شود که محکوم به در بودجه منظور و پادار شده باشد. و اجرای حکم علیه دولت و مؤسسات دولتی، منوط به تأمین اعتبار در بودجه خواهد بود، لذا مستلزم تأدیه خسارت تأخیر تأدیه نمی باشد بدیهی است، پس از گذشت مدت مندرج در ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب سال ۱۳۶۵، صدور حکم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه بلامانع می باشد. ضمناً با توجه به ماده واحده قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری ها مصوب ۱۳۶۱، شهرداری ها نیز وضع مشابهی دارند.

۲- با توجه به ماده ۴۵۴ قانون آئین دادرسی در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ چنانچه، بین طرفین در خصوص تعیین خسارت تأخیر تأدیه، توافقی بر ارجاع آن به داور نشده باشد، رسیدگی به مطالبه خسارت تأخیر تأدیه مربوط به محکوم به، در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی خواهد بود. /ق

دکتر محمد علی شاه حیدری پور

مدیرکل حقوقی قوه قضائیه